

فتحنامه سند  
المعروف به  
پیچ نامه

شائع کرده مجلس مخطوطات فارسیه ، حیدرآباد دکن  
به حسن اعانت دولت آصفیه دام اقبالها

# ارکان مجلس



- (۱) رائٹ آنریبل نواب میر اکبر حیدری  
(صدر شہین) حیدر نواز جنگ بہادر
- (۲) آنریبل نواب مہدی یار جنگ بہادر
- (۳) ڈاکٹر عبدالحق صاحب پروفیسر عربی
- (۴) پروفیسر ہارون خان صاحب شروانی
- (۵) ڈاکٹر قاری کلیم اللہ صاحب
- (۶) ڈاکٹر یوسف حسین خان صاحب
- (۷) نواب صدر یار جنگ بہادر شروانی (رکن اعزازی)
- (۸) نواب محمد یار جنگ بہادر
- (۹) مولوی عبدالحق صاحب
- (۱۰) مولوی غلام یزدانی صاحب
- (۱۱) ڈاکٹر نظام الدین صاحب
- (۱۲) مولوی سید ہاشمی فریدآبادی (معتد اعزازی)

جماعت عامہ

# فتحنامهٔ سند

المعروف به

# چچنامہ

تالیف

علی بن حامد بن ابی بکر الکوئی

در سنه ۶۱۳ هجری

بتصحیح اقل العباد

عمر بن محمد داؤدپوٲه ، ایم-ای (بمبئی) ، پی ایچ-دی (کمبریج)

سابقاً مدرس العربیہ در دانشکده اسماعیل کالج

جو گیشوری (بمبئی)

حالا مدیر معارف عمومیہ سند کراچی

بانضمام مقدمه و حواشی و تعلیقات و فہارس

و بسی و اہتمام

مجلس مخطوطات فارسیہ حیدرآباد دکن

بطبع رس—ید

مطبعہ لطیفی دہلی

سنه ۱۳۵۸ ہجری مطابق سنه ۱۹۳۹ مسیحی

اسلافه (۱) بحق محمد و آله اجمعین، که در فصاحت کان فضل است، و در ملاحظت جان عقل است، و در فنون علم و زهد (۲) بی نظیر و در صنوف (۳) بلاغت بی ظهیر دیده شد (۴)، استخبار کرده آمد. و گفت: تاریخ این فتح بخط آباء و اجداد ما بلغة حجازی در کتاب (۵) مسطور است، و از یکدیگر میراث شده (۶) بورئه میرسد (۷)؛ فاما چون در پرده تازی و حجاب حجازی بود، در میان اهل عجم منتشر (۸) نشد.

### ترجمه کتاب

چون بنده را بر آن کتاب اطلاع افتاد، کتابی بود بجواهر حکمت آراسته، و بدرر موعظت پیراسته، و اصناف شجاعت و مردانگی اهل عرب و شام در وی مبرهن (۹)، و انواع شهامت و فرزاندگی در وی متمکن (۱۰). هر حصاری که فتح شد از وی (۱۱) فتوحی بود، و شب کفر و ضلالت را صبحی؛ و هر نواحی که در آن ایام بغز (۱۲) اسلام مشرف گشت (۱۳) و مسلم شد، بمنابر و مساجد نوری گرفت، و از عبّاد و زهاد سروری یافت، و الی (۱۴) یومنا هذا هر روز آن نواحی بجمال اسلام و دیانت و کمال علم و امانت از دیباد می پذیرد (۱۵)، و هر دوران از بندگان دولت محمدی بر تخت مملکت و سلطنت استقامت می یابد (۱۶)، تا به تجدید زنگ [ص ۱۱] ضلالت از روی آئینه اسلام (f7b) می زداید.

(۱) م: اسلامه (۲) بس: فنون علوم فارسی (۳) بپک: صندوق (۴) ب: بی عدیل شده بود (۵) پ: کتب (۶) پم ندارد: شده (۷) بس کم: میرسید (۸) م: در بیان اصل معیشت بر (۹) پ اینجا کلمه «بود» دارد (۱۰) بس اینجا کلمه «بود» دارد (۱۱) پ: در وی (۱۲) ب: فر (۱۳) م: گشتند (۱۴) م: تا؛ س: تا الی (۱۵) س: پذیرفت (۱۶) در جمیع نسخ: یافت

مدح (۱) تخلص (۲) این کتاب (۳) ملک الوزراء اشرف الملک (۴)

ضاعف جلاله

پس چون این داستان دینی از پرده نازی و حجب حجازی بجنجره عجم (۵) نقل افتاد، و بقلائد عبارت و پیرایه دیانت مشرف، در سلک نشر ترجمه کرده شد، در غور این تفکر (۶) خاطر غواصی (۷) میکرده که این نو باوه غریب و فتح نامه ظریف مخلص بکدام (۸) صدر را شاید، تا اقبال بنده را رهنمویی کرد (۹)، و این سعادت روی داد (۱۰)، (و) با خود گفتیم: ای علی از مواضی (۱۱) ایام و سوائف اعوام مدتی شد تا در ظل (۱۲) رعایت و کنف حیاطت (۱۳) خداوند (۱۴) مولی الأنام، صدر جهان، (و) دستور صاحبقران، شرف الملک رضی الذیلة و الدین (۱۵)، جلال الوزراء، صاحب السیف و القلم، نور الله مضجعه و طیب نراه، بنا ساخته، این مطیبه (۱۶) نفس خود را بقضم (۱۷) و شعر کرم او (۱۸) ترتیب داده، و حقوق نعمت او و اولاد او دام علوهم و رحم آباءهم در گردن (۱۹) لازم است، این فتح نامه که از صواب دینی و فضول (۲۰) دنیاوی است، که محققان عالم و بادشاهان زیاده کرم بدان مباهات نمایند و همگنانرا بر تصدیق اعتقاد اهل عرب و اتحاد بخلوص (۲۱) اصحاب ادب و ترقی بکمال باشد، و این دولت (۲۲) را که از شہامت و صولت (۲۳) اهل عرب و شام بود، هم بدین (f8a) خاندان معظم که حسب و نسب عرب اند،

(۱) ب: شرح (۲) سرم: تخلص (۳) ب افزایش: مستطاب (۴) بپس ک ندارد: اشرف الملک (۵) بس: پرده فارسی؛ ک: از پرده بجز عجم؛ م: بجز (۶) بپس: نقل؛ ک: فضل (۷) این قراة ک است؛ م: عوامی؛ ب: خاطر میگرد (۸) م: نکرده ام (۹) ب: گردد؛ س: گیرد (۱۰) بس: دهد (۱۱) پ: موازی؛ م: مواخی (۱۲) بس: ک: طلب (۱۳) م: حفاظت (۱۴) م ندارد: خداوند (۱۵) بس: شرف الملک و الملوک و سیف الدولة و الدین؛ پ: شرف الملة؛ (۱۶) بس ک: مطالبه، و این نیز درست است (۱۷) ب: عصم؛ پ: فهم؛ ک: قسم (۱۸) پ ندارد: او (۱۹) ب افزایش: ما (۲۰) پ: فضول (۲۱) بس: تحقیق اعتقاد (۲۲) بپس ک: نتیجنامه (۲۳) بپس: صوامت؛ م: صوات

فکرت و بدایع. فطرت و عجائب عقل و غرائب فضلك و نوادر خاطر و نفائس ضمائر آراسته. حیات (۱) دلهای دوستان و ریاض انس و جان و متوفیان (۲). (ص ۲۰۵) (۳) محاسن فرزاندگی اهل عرب از حد وصف بیرون [و] محامد مردانگی حشم از حد احصاء فزون - بنیاد (۳) او بر تاسیس قواعد ریاست و تاکید معاهد سیاست نهاده شد - مضمن بنصایح دین و دولت و متکفل بمناهج ملک (۴) و ملت. بعد از آنچه در تطاول زبان (۵) تازی و تمالک (۶) آواز (۷) حجازی منزلی (۸) داشت و ملوک عرب (۹) را در مطالعه او همتمی بود بکمال و مبادات فوق الحال. فاما چون در پرده حجازها بود و از تزیین و تحلیه (۱۰) لغت پهلوی عاری بود، متداول اهل عجم نشد. هیچ مشاطه اهل فارس عروس این فتحنامه را نیاراسته بود و از نگار خانه کلم (۱۱) و عدل حکیم حلال او نساخته، و از خزانه عقل زیور نپرداخته، و از مضمار فصاحت و ریاض ملاحظت درین میدان مرکب نراندند. فاما (۱۲) حوادث ایام دور گام (۱۳) روی بدین شکسته (۱۴) در (۱۵) افواج زمان و مصائب حدنان در سفینه سینه جمع شده - انواع اضطرار موجود و ابواب استظهار مفقود و اصناف (۱۶) خطر (۱۷) و اسباب مکائد مبین. (۱۸) آزیبوا سطره این کتاب طبع ناتمام بنده باتمام رسانید: والحمد لله رب العالمین (۴۸).

(۱) ب: جلوه. (۲) پ: مومنان؛ ب: متوفیان؛ س: متوفنا (۳-۳) این جمله در نهج بیس که موجود نیست؛ نسخه پ اینجا بیاض دارد (۴) م: متکفل ملک بمناهج و سلطنت (۵) ب: پس: ک: زمان (۶) پ: ممالک (۷) پ: روان (۸) پ: س: منزلی (۹) پ: عربی (۱۰) ب: پ: کم: تحلیل: س: تهلیل (۱۱) س: م: کلمه (۱۲) نسخه پ: اینجا بیاض دارد، و از آن میناید که بعضی الفاظ بعد از «فاما» ساقط شده است (۱۳) قرآنه قیاسی است، ب: دور تام: نسخه پ فقط کلمه «دور» دارد؛ س: ایام در ایام؛ ک: دور بهم: م: دور پایه (۱۴) م: س: (۱۵) س: ندارد؛ در (۱۶) ب: اضماف (۱۷) جمع نسخ: خطیر (۱۸-۱۸) این جمله در نسخه پ موجود نیست.

صورت اتمام و حلیه اختتام در کشید کتاب مستطاب مسمی به

چچنامه تالیف علی بن حامد بن ابی بکر الکوفی

بید اضعف العباد حقیر نور محمد چپ نویس

فی التاریخ نهم محرم الحرام

سنه ۱۲۴۸

قد تمّ بالخیر و العافیة

